

متن پرسش

با سلام به استاد طاهرزاده: بعد از دیدن فیلم مصاحبه شما با آقای میلاد دخانچی، احساس کردم با طاهرزاده جدیدی روبرو شده‌ام. طاهرزاده‌ای که از یک طرف سخت در آموزه‌های دینی و تعلق به انقلاب اسلامی حاضر است، ولی ما را دعوت می‌کند تا در جهان و در دنیای مدرن حاضر شویم و اصرار دارد باید غرب را طوری بشناسیم که دیگر نباید از آن فرار کرد، بلکه باید در آن حاضر شد و نقش‌آفرینی کرد. آقای طاهرزاده مگر ما در کجای انقلاب قرار داریم که شما نگران نیستید که قصه‌ی ما قصه‌ی آن کسی نشود که رفت آب بیاورد، آب او را برد. آیا تجربه‌ی جریان اصلاح‌طلبی و جریان آقای هاشمی را نباید در نظر داشت که اینان چگونه گرفتار نحوه‌ای از غرب‌زدگی شده‌اند و انقلاب را از حقیقت و هویتش خارج کردند. نسبت این مصاحبه با مباحث عجیب جناب‌عالی در سلسله درس‌گفتار «گوش‌سپردن به ندای بی‌صدای انقلاب اسلامی» چگونه است؟ آن‌جایی که می‌فرمایید باید آن‌چنان وارسته شد تا جانمان آماده شنیدن صدای حقیقت که ندای انقلاب اسلامی است بگردد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: پس از ۴۰ سال از حضور انقلاب اسلامی در این تاریخ می‌توانیم در نسبت خود با مدرنیته و مواجهه‌ی خود با غرب، تفکری که مناسب امروزمان است داشته باشیم. آیا هنوز باید نگران بود که انقلاب اسلامی از طریق فرهنگ مدرنیته گرفتار استحاله گردد؟ و یا انقلاب اسلامی می‌تواند در جهانی جدید مشارکت کند؟

آن‌چه شدیداً در این تاریخ به آن نیازمندیم، فهم درست غرب است از آن جهت که دیگر ادعای یونیورسال بودن خود را نه تنها از دست داده است، بلکه خود نیز مثل قبل چنین ادعایی ندارد. البته این سؤال همیشه باید مدّ نظر ما باشد که چگونه می‌توان غرب را فهمید و شرایط امکان غرب‌شناسی چیست؟ آن‌چه از آثار امثال دکتر رضا داوری برمی‌آید آن است که هنوز غرب درست فهم نشده و با فهم غرب، ما جایگاه خود را بهتر می‌شناسیم.

با توجه به این‌که موضوع نفی فراروایت و یکتا انگاری مدرنیسم جایش را به تنوع و تکثر داده است و مرکزیت‌گرایی تاریخی و انحصار معرفتی غرب از عرصه روابط انسانی و فرآیند نظام‌سازی اجتماعی کنار رفته و تکثر، بستری شده برای سهم‌شدن ما در دنیای جدید، ایران اسلامی با سابقه‌ی تمدنی خود می‌تواند در صحنه‌ی تاریخ جهانی پا بگذارد و از این جهت معنی دیگری از جهان مدرن به تجربه آید.

با فهم غرب از این جهت، جایی در عالم برای ما پیش آمده است و آستانه‌ای برای فهم جهان مدرن که ما نیز در آن نقش داریم، در مقابل ما گشوده شده است تا ما جهانی را تجربه کنیم که خودمان در هویت آن بی‌نقش نیستیم. بلکه در جایی قرار گرفته‌ایم که نه در غرب هستیم و نه در گذشته‌ی خود، که نگران سیطره‌ی غرب بودیم و با فهم درست امکانات جهان مدرن می‌توانیم در آن مشارکت کنیم و از سرمایه‌های اصیل دینی و فلسفی خود برای ظهور در جهان جدید بهره بگیریم و به یک معنا خود و سرمایه‌های خود را در این تاریخ و مطابق این تاریخ بشناسیم و این بدون درک حقیقت انقلاب اسلامی که صدای خدا در این تاریخ است، ممکن نیست. آری! اگر با تمام وجود، جانمان حقیقت انقلاب اسلامی را نچشیده باشد، قصه‌ی ما قصه‌ی همانی است که رفت آب بیاورد و آب بردش و نتوانست هیچ تأثیری در تاریخی که با انقلاب اسلامی گشوده شده، داشته باشد. موفق باشید.